

ریخت‌شناسی قصه حضرت موسی (ع) در قرآن کریم بر اساس

نظریه ولادیمیر پراپ

رسول بلاوی*

استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

علی خضری**

استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

علیرضا شیخیانی***

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۰۹)

چکیده

قصه قدمتی کهن در عرصه فرهنگ و انتقال مفاهیم انسانی دارد و سازگارترین فرم کلامی با ذهن بشر است. شاید از همین روست که کتب آسمانی اغلب پیام خویش را در قالب قصه بیان داشته‌اند. از آنجا که قصه‌های قرآن ملاک‌های فنی قصه‌های امروزی را دارد، راه را برای مقایسه و تحلیل نظریه‌های انتقادی جدید باز گذاشته‌است. یکی از این راه‌ها، ریخت‌شناسی قصه‌ها از دیدگاه ولادیمیر پراپ است. روش ولادیمیر پراپ یکی از بهترین شیوه‌های تحلیل و ریخت‌شناسی قصه‌ها بر پایه کنش شخصیت‌ها و خویشکاری آن‌هاست. نوشته حاضر به بررسی ریخت‌شناسی قصه حضرت موسی (ع) در قرآن با بهره‌گیری از روش پراپ، بر اساس روش توصیفی - تحلیلی می‌پردازد و برای وصول به نتیجه‌ای بهتر، قصه به سه بخش تقسیم شده‌است و شخصیت‌ها و خویشکاری‌های هر بخش، هدف تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که این قصه با الگویی که پراپ از قصه‌های پریان ارائه می‌دهد، با اندکی جابجایی در خویشکاری شخصیت‌های قصه هماهنگ است؛ زیرا از سی و یک خویشکاری قصه‌های پریان، بیست و سه خویشکاری در بین شش شخصیت موجود در قصه دیده می‌شود و جریان قصه از آرامش و رسیدن به اوج و رسیدن به آرامش مجلد، با سه حرکت از حرکت‌های ششگانه پراپ همسانی دارد.

واژگان کلیدی: قرآن، ساختارگرایی، ولادیمیر پراپ، ریخت‌شناسی، حضرت موسی (ع).

* (نویسنده مسئول) r.ballawy@gmail.com

** Alikhezri84@yahoo.com

*** : ali.r.sheikhiany@gmail.com

مقدمه

قصه از برجسته‌ترین و رایج‌ترین گونه‌های ادبیات عامیانه است که با طبیعت و زندگی مردم پیوند نزدیکی دارد. «قصه، روایت مرتب و منظم حوادث است، بیان تسلسل و توالی حوادث و اتفاقاتی است که در داستان رخ می‌دهد و کنجکاوی خواننده را برای تعقیب حوادث تحریک می‌کند» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۶۱). شناخت قصه‌ها راه را برای مطالعات آن‌ها هموار می‌سازد و به سبب اهمیت آن‌ها باید با زوایای جدید و امروزی بررسی شوند. یکی از این نظریه‌ها، مکتب ساختارگرایی است (ر.ک؛ احمدی، ۱۳۸۳: ۲۰). می‌توان گفت بررسی ساختاری داستان به رغم میراثی که از ارسطو تا به امروز باقی مانده، تقریباً از کاری که ولادیمیر پراپ روی قصه‌های پریان انجام داد، شروع شده است (ر.ک؛ اسکولز، ۱۳۹۳: ۹۱).

پراپ بر زمینهٔ دینی قصه‌ها تأکید فراوان کرده است و در بسیاری موارد، جستجوی ریشه‌های دینی قصه‌ها را لازم و ضروری دانسته است. از این رو، «بسیار محتمل است که یک رابطهٔ طبیعی میان زندگی روزمره و دین از یک سو، و میان دین و قصه از سوی دیگر وجود داشته باشد» (پراپ، ۱۳۷۱: ۲۰۹). زبان قرآن، زبان دین و ایمان است و رسالت اصلی آن، هدایت معنوی است. قرآن با زبان احساس برانگیز و تصویری با مخاطبان خویش سخن گفته است و سرگذشت و قصهٔ پیامبران و پیشینیان را چنان آشکارا به تصویر می‌کشاند که انسان در برابر آن رویدادها، واکنش عاطفی نشان می‌دهد (ر.ک؛ شجاع‌پوریان، ۱۳۹۲: ۱۱۴). یکی از قصه‌های قرآن که انسان را به تأمل و تفکر وامی‌دارد، قصهٔ حضرت موسی^(ع) و حوادث متعدّد و عبرت‌آموز زندگی اوست. در حوزهٔ بررسی قصه‌های دینی و مذهبی، یکی از شیوه‌های تحلیل و طبقه‌بندی ساختاری را در آثار ولادیمیر پراپ می‌توان یافت؛ زیرا پراپ به بعضی از آثار خود صبغهٔ دینی و مذهبی داده است. این مقاله بر آن است تا با استفاده از روش ریخت‌شناسی پراپ، به بررسی قصهٔ حضرت موسی^(ع) بپردازد و نمودار خویشکاری‌هایی را که پراپ در قصه‌های پریان ارائه

نموده‌است، در این قصه بررسی نماید. یادآوری می‌شود که این مقاله، قصه حضرت موسی^(ع) را از تولد تا ابتدای ورود به بیت‌المقدس بررسی می‌نماید.

۱- پرسش‌های پژوهش

این مقاله در پی پاسخ دادن به پرسش‌های زیر است:

- ۱- ریخت‌شناسی قصه‌های پریان ولادیمیر پراپ چگونه در قصه حضرت موسی^(ع) بازتاب یافته‌است؟
- ۲- ساختارهای بنیادین قصه حضرت موسی^(ع) تا چه اندازه با ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ انطباق دارد؟
- ۳- مهم‌ترین خویشکاری‌ها و حرکت‌های قصه حضرت موسی^(ع) کدام است؟

۲- پیشینه پژوهش

درباره ریخت‌شناسی قصه‌ها، اساطیر و قصه‌های قرآن پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ از جمله موارد زیر:

- مقاله «تحلیل ریخت‌شناسی داستان سیاوش بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ» از ابراهیم استاجی و همکاران در مجله متن‌شناسی ادب فارسی (۱۳۹۲). نگارندگان در این مقاله بیست و پنج خویشکاری اصلی و فرعی را در این داستان مطابق الگوی پراپ یافته‌اند، ولی حرکت‌های قصه به وضوح مشخص و روشن نشده‌است.

- مقاله «بررسی قصه‌های دیوان در شاهنامه بر اساس نظریه ریخت‌شناسانه ولادیمیر پراپ» از مسعود روحانی و همکاران در مجله متن‌شناسی ادب فارسی (۱۳۹۰). نویسندگان مقاله کوشیده‌اند تا نمودار خویشکاری‌های پراپ و روش ریخت‌شناسانه وی را در داستان‌های دیوان بررسی کنند تا مشخص گردد نظریه پراپ تا چه اندازه بر این داستان‌ها انطباق دارد.

- مقاله «الگوی ساختارگرایی ولادیمیر پراپ و کاربردهای آن در روایت‌شناسی» از خلیل پروینی و همکاران در مجله پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی (۱۳۸۷). در این مقاله، ده داستان از فابل‌های کلیله و دمنه با هدف ارزیابی کارایی و قابلیت الگوی پراپ در تحلیل ریخت‌شناسی این قصه تحلیل و بررسی شده‌است.

- مقاله «ریخت‌شناسی داستان حضرت سلیمان در قرآن» از ناهید نصیحت و همکاران در فصلنامه مطالعات قرآنی (۱۳۹۰). در این مقاله، نگارندگان به تبیین و تحلیل عناصر داستانی قصه حضرت سلیمان^(ع) پرداخته‌اند. این مقاله رویکردی فرمالیستی دارد، اما نویسندگان بر آن عنوان ریخت‌شناسی نهاده‌اند!

- مقاله «کارکردشناسی ساختار تکرار در تصویرپردازی قرآن (موردی داستان حضرت موسی^(ع))» از رضا امانی و همکاران در فصلنامه پژوهش‌های ادبی قرآنی (۱۳۹۳). در این مقاله سعی شده‌است به کارکرد ساختار تکرار در تصویرپردازی داستان حضرت موسی^(ع) پرداخته شود و تکرار واژگان، عبارات و آیات بررسی شده‌است.

- کتاب ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن از محمد حسینی (۱۳۹۵) که نگارنده در این کتاب به تحلیل مضمون دوازده قصه قرآن پرداخته، اما در این پژوهش، رویکرد نویسنده با نظریه ریخت‌شناسی پراپ و شیوه تحلیلی او متفاوت است.

گرچه تاکنون پژوهش‌های فراوانی در زمینه ریخت‌شناسی پراپ صورت گرفته‌است، ولی زمینه تازگی تحقیق در مقاله حاضر، بررسی ریخت‌شناسی قصه حضرت موسی^(ع) در قرآن از دیدگاه پراپ می‌باشد و نقش مهمی در شناخت ساختاری قصه حضرت موسی^(ع) دارد و پرتو جدیدی را از داستان حضرت موسی^(ع) به خوانندگان و مخاطبان منتقل می‌کند که در هیچ یک از پژوهش‌های پیشین به تبیین این موضوع پرداخته نشده‌است.

۳- ساختارگرایی

ساختارگرایی به عنوان روش، آیین، مد روشنفکری، ایدئولوژی و... تعریف شده‌است (ر.ک؛ احمدی، ۱۳۸۳: ۱۳) و پراپ آن را «روابط متقابل میان اجزای سازه‌ای یک شیء

یا موضوع فولکلوریک» می‌داند (پراپ، ۱۳۶۸: هفت). ساختارگرایی با حرکت از مطالعه زبان به مطالعه ادبیات، و تلاش برای تعریف اصول ساختاردهی که نه فقط در آثار منفرد که در روابط میان آثار در کُل عرصه ادبیات عمل می‌کند، بر آن بوده و است تا علمی‌ترین مبنای ممکن را برای مطالعات ادبی فراهم کند (ر.ک؛ اسکولز، ۱۳۹۳: ۲۶).

ساختارگرایی عصر حاضر در سال ۱۹۱۶ میلادی به وسیله فردینان دوسوسور با نوشتن کتابی به نام دوره زبان‌شناسی عمومی شروع شد. سوسور زبان را نظامی از نشانه‌ها می‌داند که باید به روش «همزمانی» مطالعه شود و نه «درزمانی»؛ به عبارت دیگر، زبان باید به مثابه نظامی کامل در مقطع معینی از زمان بررسی شود، نه در جریان تحول تاریخی. دیدگاه‌های زبان‌شناختی سوسور فرمالیست‌هایی که متون ادبی را از دیدگاهی ساختاری می‌نگرند، تحت تأثیر قرار داد (ر.ک؛ ایگلتون، ۱۳۸۸، ص ۱۳۲). اما در این میان، تحقیقی که همه بررسی‌ها را تحت الشعاع خود قرار داد، تحقیقات ولادیمیر پراپ روسی بود و می‌توان گفت پراپ نماینده موضع فرمالیستی در دل ساختارگرایی ادبی بود (ر.ک؛ اسکولز، ۱۳۹۳: ۹۲). پراپ در کار خود تلاش کرد تا ثابت کند که تمام قصه‌ها از ساختاری واحد برخوردار هستند، همچنان‌که ساختار قصه حضرت موسی^(ع) با ساختاری که پراپ از قصه‌های پریان ارائه داده‌است، به ساختی نهایی وابسته‌اند و از یک روش واحد پیروی می‌کنند و این قصه برجستگی‌های ساختاری ویژه‌ای دارد.

۱-۳) روش ریخت‌شناسی پراپ

واژه ریخت‌شناسی (Morphology)، یعنی بررسی و شناخت ریخت‌ها. پراپ دسته‌بندی آثار فولکلوریک را بر اساس قواعد صوری آن‌ها انجام داد. از این رو، کارش را ریخت‌شناسی خواند. او این اصطلاح را به معنای «توصیف حکایت‌ها بر اساس واحدهای تشکیل‌دهنده آن‌ها و مناسبات این واحدها با یکدیگر و یا کل حکایت» به کار برد. پراپ روش کار خود را با روش علم گیاه‌شناسی قیاس می‌کرد (ر.ک؛ احمدی، ۱۳۸۹: ۱۴۵)؛ زیرا در گیاه‌شناسی، اصطلاح ریخت‌شناسی، یعنی بررسی و شناخت اجزای تشکیل‌دهنده گیاه و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و یا کل گیاه (ر.ک؛ پراپ، ۱۳۶۸: ۱۷).

ولادیمیر پراپ صد قصه از مجموعه قصه‌های روسی آفاناسیف را برگزید و آن‌ها را بر اساس کنش‌ها و رویدادهایشان بررسی کرد و بنا به تعریف وی، ریخت‌شناسی به معنی توصیف قصه‌ها بر پایهٔ اجزای سازندهٔ آن‌ها و همبستگی و ارتباط این سازه‌ها با یکدیگر و یا کلّ قصه است (ر.ک؛ کوپا، ۱۳۸۹: ۱۰۳-۱۰۴). پراپ ضمن تلاش برای شناسایی عناصر پایدار و ثابت (خویشکاری) و عناصر متغیّر (شخصیت‌ها) در قصه‌های پریان روسی به این اصل می‌رسد که هرچند پرسوناژهای یک حکایت متغیّرند، اما کارکرد آن‌ها در حکایت‌ها، پایدار و محدود است (ر.ک؛ اسکولز، ۱۳۹۳: ۹۶). پراپ کارکرد یا خویشکاری را کوچکترین جزءسازی قصه‌های پریان نامیده‌است. همچنین، وی خویشکاری را به عمل و کار یک شخصیت از نقطه‌نظر اهمیت آن در پیشبرد قصه می‌داند.

۱-۱-۳) خویشکاری‌ها (.....)

پراپ در قصه‌های پریان به ۳۱ خویشکاری دست یافت و طبق نظر او، همهٔ این خویشکاری‌ها در هیچ قصه‌ای همزمان یافت نمی‌شود و برای هر خویشکاری، خلاصهٔ فشرده‌شده‌ای از آن خویشکاری را با یک نشانهٔ قراردادی به قرار زیر مشخص کرده‌است: «صحنهٔ آغازین (α)، غیبت (β)، نهی (γ)، نقض نهی (δ)، خبرگیری (ε)، خبردهی (ζ)، فریبکاری (η)، همدستی (θ)، شرارت (A)، میانجیگری (a)، مقابله (C)، عزیمت (↑)، خویشکاری بخشنده (D)، واکنش قهرمان (E)، دریافت شیء جادویی (F)، انتقال (G)، کشمکش (H)، داغ گذاشتن (J)، پیروزی (I)، التیام مصیبت (K)، بازگشت (↓)، تعقیب (Pr)، رهایی (Rs)، ناشناختگی (O)، ادعاهای بی‌پایه (L)، کار دشوار (M)، حلّ مسئله (N)، شناختن (Q)، رسوایی (Ex)، تغییر شکل (T)، مجازات (U)، عروسی (W)، ربط‌دهنده (§)» (اشرفی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۳). بعضی از این خویشکاری‌ها با نشانهٔ قراردادی خود در حرکت‌های داستانی موجود در این مقاله ذکر گردیده‌است.

۳-۱-۲) نقش ویژه

پراپ «نقش ویژه» را کنش یک شخصیت بر اساس اهمیتی می‌داند که در مسیر کنش‌های حکایت دارد. او از تجزیه و تحلیل قصه‌های پریان چهار قانون تدوین کرد: ۱- تعداد نقش ویژه‌ها در حکایت پریان محدود است. ۲- عناصر ثابت و دایمی حکایت‌ها را نقش ویژه‌های شخصیت‌ها تشکیل می‌دهند. ۳- جایگزینی و توالی نقش ویژه‌ها همواره یکسان است. ۴- همه حکایت‌های پریان از لحاظ ساختار، یک گونه هستند و می‌توان آن گونه نهایی را کشف کرد. پراپ شخصیت‌های موجود در قصه‌ها را هفت شخصیت می‌داند: ۱- قهرمان. ۲- شاهدخت. ۳- بخشنده. ۴- یاریگر. ۵- گسیل‌دارنده. ۶- شریر. ۷- قهرمان دروغین (ر.ک؛ احمدی، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

۴- قصه و ساختار قصه‌های قرآنی

قصه، حادثه و رویدادی تخیلی است که گاه بر اساس واقعیتی نوشته می‌شود و این رویداد در قالبی با چاشنی تخیل ریخته می‌شود که طرحی منسجم و منظم دارد و در آغاز، هدفی را دنبال می‌کند (ر.ک؛ حاجی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۹). در هر رمان، درونمایه‌های اصلی آن از واحدهای کوچکتری تشکیل شده‌است. اگر این واحدهای درونمایه‌ای را آنقدر تجزیه کنیم که دیگر نتوان آن‌ها را کوچکتر کرد، بنمایه به‌دست می‌آید. پس می‌توان قصه را حاصل جمع بنمایه‌ها با توالی زمانی آن‌ها تعریف کرد (ر.ک؛ اسکولز، ۱۳۹۳: ۱۱۶). زبان قرآن که از برجستگی‌ها و جلوه‌های زیبایی و آفرینش‌های هنری بی‌مانندی بهره‌مند است، توجه خاصی به قصه نشان داده‌است و بخش‌های قابل توجهی از قرآن کریم به بیان داستان‌های لطیف و آموزنده که ریشه در فطرت انسان دارد، اختصاص یافته‌است (ر.ک؛ کاظمی، ۱۳۷۹: ۸). قصه‌های قرآن ساختار منحصر به خود را دارد. در قصه‌های قرآن، مشخصاتی است از جمله واقع‌گرایی، حقیقت‌گویی، طرح ناگهانی و بی‌مقدمه قصه، گفتگوهای میان‌قصه‌ای که با داستان‌های امروزی نیز مشترکات زیادی دارد؛ از جمله: اشتراکات فرمی و شکلی، مقدمه‌چینی برای آغاز متن اصلی داستان و شخصیت‌پردازی (ر.ک؛ شجاع‌پوریان، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

۱-۴) ریخت‌شناسی قصه حضرت موسی^(ع)

قصه حضرت موسی^(ع) به طور پراکنده در سوره‌های طه، شعراء، اعراف، بقره، انفال، نمل و قصص آمده‌است. در این مقاله، قصه حضرت موسی^(ع) از تولد تا ابتدای ورود به بیت‌المقدس در سه بخش داستانی بررسی و ریخت‌شناسی می‌شود. یادآوری می‌شود که این قصه از آیات قرآنی سوره‌های مذکور استنباط و نیز از کتاب قصه‌های قرآن نوشته محمد محمدی اشتهاردی تلخیص و اخذ شده‌است.

۱-۱-۴) حرکت اول قصه

فرعون (رامسیس دوم) طاغوت خودسر و مغرور مصر بود. او مردم را به دو طبقه مستضعف و مستکبر به نام سبطیان و قبطیان تقسیم نمود. قبطیان همان فرعونیان بودند که به عیش و نوش و ظلم و ستم سرگرم بودند و همه اختیار کشور در دست آنها بود. برعکس، سبطیان طبقه پایین اجتماع و ستم‌دیدگان مستضعف بودند. موسی و بنی‌اسرائیل از سبطیان بودند. حضرت موسی^(ع) از نسل حضرت ابراهیم^(ع) و با شش واسطه به او می‌رسد. موسی و مادرش هر دو از بنی‌اسرائیل هستند و جدشان، یعقوب بود. عمران پدر موسی به نگهبانی قصر فرعون مشغول بود (α: وضعیت آغازین). شبی عمران از خانه بیرون آمد (β^۱: غیبت بزرگتران یا بیرون رفتن آنها از خانه) و به نگهبانی در کنار قصر فرعون مشغول شد. در آن شب همسرش (یوکابد) را دید که به نزدش آمد و در آن شب نطفه موسی منعقد شد... فرعون دستور داد که همه ماموران و قابل‌ها باید در بنی‌اسرائیل مراقب اوضاع باشند که هر گاه پسری از آنها به دنیا آمد، بی‌درنگ سر از بدنش جدا کنند و او را بکشند (γ^۱: دستور یا فرمان (صورت موجه نهی))، امداد و لطف الهی موجب شد که آثار حمل در یوکابد، مادر موسی، چندان آشکار نباشد. از سوی دیگر، یوکابد با قابل‌های دوست بود که آن قابل‌ها به سبب دوستی، حمل مادر موسی را گزارش نمی‌داد (δ^۱: نقض نهی). فرعون ترس زیادی از موسی داشت؛ زیرا شبی در خواب دیده بود آتشی از طرف شام شعله‌ور شد و زبانه کشید و به طرف سرزمین مصر آمد! وی سراسیمه ساحران و معبران را به حضور طلبید. معبران گفتند: «به زودی نوزادی از بنی‌اسرائیل به دنیا

می‌آید که تو و یارانت را به هلاکت می‌رساند» (۱۳: صورت‌های دیگر فریفتن و واداشتن). مادر موسی بسیار نگران و آشفته بود تا اینکه از جانب خداوند پیامی دریافت کرد که «هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریای نیل افکن!» (القصص / ۷). مادر موسی صندوقچه‌ای آماده کرد و او را در آن قرار داد و او را به رود نیل افکند (A' ↑: به دریا انداختن، عزیمت)، خداوند موسی را به کاخ فرعون هدایت کرد. فرعون و همسرش او را از آب گرفتند و از آنجا که آسیه فرزندی نداشت، تصمیم گرفت تا او را به عنوان پسر خود برگزیند (a: کمبود و نیاز)، طولی نکشید که کودک گرسنه شد، اما او پستان هیچ دایه‌ای را نمی‌گرفت. بالأخره با راهنمایی خواهر موسی، مأموران به نزد مادر موسی رفتند (B: پیوند دادن). او را به کاخ آوردند و نوزاد پستان او را گرفت. از آن پس، مادر موسی، موسی را به خانه‌اش برد و به او شیر می‌داد (K: التیام مصیبت). هنگامی که موسی به حد رشد و بلوغ رسید، در مصر دو نفر (یکی قبطی و دیگری سبطی) با هم گلاویز شده بودند. موسی به طرفداری از سبطی، سیلی محکمی به قبطی زد و او بر زمین افتاد و مُرد! فرعون و اطرافیان او از ماجرا باخبر شدند و حکم به اعدام موسی دادند. موسی تصمیم گرفت به سوی سرزمین مدین فرار کند تا از چنگال ستمگران نجات پیدا کند (RS: فرار از تعقیب).

۴-۱-۲) ریخت‌شناسی حرکت اول قصه

هر قصه معمولاً با یک صحنه آغازین شروع می‌شود؛ مثلاً معرفی قهرمان همراه با اعضای خانواده‌اش: «این صحنه با آنکه یک خویشکاری محسوب نمی‌شود، اما یک عنصر ریخت‌شناسی مهم به حساب می‌آید» (پراپ، ۱۳۶۸: ۶۰). تولد قهرمان یکی از اشکال ظهور و نمود او در قصه است و این شکل در وضعیت آغازین قرار دارد. در ابتدای این قصه، حضرت موسی^(ع) نماد کودک قهرمان آینده رها شده در آب است و «کودک رها شده که عناصر کیهان از او پشتیبانی می‌کنند، غالباً قهرمان، شاه و یا قدیس می‌شود» (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۴۵). در این قصه، رامسیس دوم (فرعون) نقش شریر، قابل‌نقش یاریگر، آسیه (همسر فرعون) نقش بخشنده و حضرت موسی^(ع) نقش قهرمان را ایفا

می‌کنند؛ قهرمانی که به گفتهٔ پراپ، «آن شخصیتی است که یا مستقیماً از کارهای شریر در فاجعهٔ داستان صدمه می‌بیند و یا موافقت می‌کند که مصیبت شخص دیگری را التیام بخشد و نیاز او را برآورده کند» (پراپ، ۱۳۷۱: ۱۰۶). بنابراین، حرکت اول قصه چهار شخصیت دارد. خواب دیدن فرعون، حرکت نخست قصه با آن شروع می‌شود و پیشگویی ساحران، انگیزشی برای شرارت به وجود می‌آید (η^3) و این شرارت باعث گسترش طرح داستان و گره پیچ داستان می‌شود (ABC) و از دستور و فرمان فرعون به قتل و کشتار نوزادان (γ^2) به نقض دستور و فرمان (δ^1) می‌انجامد و از جفت خویشکاری $\delta - \gamma$ (نهی - نقض نهی) در این داستان استفاده می‌شود و یک زوج را تشکیل می‌دهند. این قصه با یک وضعیت نابسندگی، کمبود و یا نیاز (a) آغاز می‌شود و همین وضعیت است که قهرمان آیندهٔ داستان را به جستجو می‌کشاند؛ قهرمانی که در آغاز در دسترس نیست و یا هنوز زاده نشده است و زندگی ابتدایی او به طریق معجزه آسایی شکل می‌گیرد.

خویشکاری η^3 در قصه، برابر با خویشکاری A (شرارت) است که در الگوی پراپ موجود می‌باشد و با آن همسان گردی دارد که با خویشکاری K (رفع مصیبت) التیام پیدا می‌کند و این خویشکاری، پایان فراق و مصیبت وارده یه یو کابد و عمران می‌باشد. سرانجام قهرمان قصه، نجات و از تعقیب شریر رهایی می‌یابد و خویشکاری (Rs) محقق می‌شود. تعداد بسیاری از قصه‌ها با رهایی قهرمان از تعقیب به پایان می‌رسد، اما همیشه چنین نیست و قصه ممکن است مصیبت و بدبختی دیگری برای قهرمان در آستین داشته باشد. الگوی حرکتی این بخش از قصه با الگوی نخست حرکتی پراپ همسانی دارد:

$$\underline{K(P \sigma)} \quad A(\eta^3)$$

طرح خویشکاری داستان اول قصه بدین صورت است:

$$\Downarrow^1 \gamma^2 \delta^1 \eta^3 A \square \alpha B K P \sigma$$

۴-۱-۳) حرکت دوم قصه

حضرت موسی^(ع) راه بین مصر و مدین را در هشت شبانه‌روز پیمود. هنگامی که به نزدیک مدین رسید، کسی او را نمی‌شناخت (O: نبود شناخت)، گروهی از مردم را در

کنار چاهی دید که چهارپایان خود را سیراب می‌کردند و در جمع آن‌ها، دو دختر را دید که کناری ایستاده‌اند و گوسفندان خود را آب نمی‌دهند. از دختران درباره کار آن‌ها سؤال کرد و دختران گفتند: «پدر ما پیر سالخورده‌ای است که ما به جای او گوسفندان را می‌چرانیم. اکنون مردان بر سر این چاه هستند و ما در انتظار رفتن آن‌ها هستیم». موسی به تنهایی کنار چاه آمد و گوسفندان آن دختران را آب داد (B: رویداد ربط‌دهنده)، دختران نزد پدر خود، حضرت شعیب^(ع)، برگشتند و ماجرا را تعریف کردند. او یکی از دخترانش را نزد موسی فرستاد و از او دعوت کرد تا به خانه آن‌ها بیاید. شعیب از موسی استقبال گرمی کرد و او را شناخت (Q: شناختن قهرمان). در این میان، یکی از دختران شعیب گفت: «ای پدر او را استخدام کن؛ چرا که بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی، همان کسی است که نیرومند و امین است» (القصص / ۶). آنگاه شعیب به موسی گفت: «تو باید برای من هشت سال چوپانی کنی و اگر ده سال باشد، بهتر است» (D^۱: آزمودن قهرمان). موسی با پیشنهاد شعیب موافقت کرد و ده سال با سختی و مشقت زیاد چوپانی گله‌های شعیب را با موفقیت انجام داد (E^۱: قهرمان آزمون را تحمل می‌کند) و با صفورا ازدواج کرد (W: ازدواج)، موسی بعد از آن قصد مراجعت به مصر را نمود. هنگام خروج از مدین به شعیب گفت: «یک عصا به من بده تا همراه من باشد» (a^۲: نیاز به عامل معجزه). شعیب هم عصای نوح و ابراهیم را به موسی داد (F^۱: به دست آوردن عامل معجزه). موسی همراه با خانواده‌اش مدین را به قصد مصر ترک گفت (↓: بازگشت قهرمان). در بین راه، آتشی را در جانب کوه طور دید و به سوی آن آتش رفته، از جانب پروردگارش به مقام پیامبری مبعوث گردید و مأمور شد که برای مبارزه با فرعون و دعوت او به توحید به مصر برود (M: مأموریت و کار دشوار). هارون که در مصر زندگی می‌کرد، به موسی پیوست. حضرت موسی^(ع) او را از نبوت خود آگاه کرد و بعد از سه روز به جانب فرعون راه افتادند و با شخص فرعون روبه‌رو شدند و او را به خداپرستی دعوت کردند (N: انجام دادن کار دشوار)، اما فرعون در برابر دعوت آن‌ها ایستادگی کرد و به وزیرش هامان گفت: «قصر و برجی برای من بساز تا بالای آن روم و از خدای موسی خبر گیرم!» (η^۲: به کار بردن وسایل جادویی به وسیله شریک). فرعون شخصاً بر فراز

برج رفت، تیری به کمان گذاشت و به آسمان پرتاب کرد. تیر بر اثر اصابت به پرنده‌ای، خون آلود گشت. فرعون از برج پایین آمد و به مردم گفت: خدای موسی را کشتیم! (L: ادعای قهرمان دروغین). فرعون موسی را تهدید به زندان کرد و اینجا بود که موسی از طریق معجزه وارد شد و عصای خود را به زمین افکند و به صورت ماری بزرگ درآمد (H: قهرمان در برابر اغواگری‌های شریر واکنش می‌دهد). فرعون از ساحران خواست در روز معین در میدان اصلی شهر تمام سحر و جادوی خود را علیه موسی به کار ببرند. در روز موعود، آن‌ها طناب‌ها و ریسمان‌های خود را افکندند و به صورت مارهای بزرگ درآمدند و آنگاه موسی عصای خود را افکند و همه مارهای ساحران را بلعید! (H: کشمکش قهرمان با شریر در فضای باز). همه ساحران در برابر خدای موسی به سجده افتادند و به موسی و هارون ایمان آوردند. فرعون آن‌ها را تهدید کرد و آن‌ها گفتند: «ما به خدایی که ما را آفریده‌است، ایمان آوردیم». فرعون از قدرت موسی مستأصل و مبهوت ماند (I: پیروزی در زورآزمایی و مسابقه).

۴-۱-۴) ریخت‌شناسی حرکت دوم قصه

بخش آغازین داستان دوم، موفقیت‌ها و پیروزی‌های حضرت موسی^(ع) را به روشنی نشان می‌دهد و در عین حال، سختی‌ها و مرارت‌هایی را که در به‌دست آوردن این موفقیت‌ها تحمل کرده‌است. موسی نقش قهرمان قصه، هارون نقش یاریگر و حضرت شعیب نقش بخشنده را ایفا می‌کند و بنا به گفته پراپ، ورود بخشنده به صحنه قصه، اغلب به صورت یک برخورد تصادفی است. صغورا هم نقش قدیس‌زاده را دارد. در این بخش از قصه، شخصیت شریر تغییر پیدا می‌کند و پسر او (منفتاح) جایگزین شریر قبلی می‌شود که علاوه بر نقش شریر، نقش قهرمان دروغین را دارد؛ زیرا به مبارزه با خدای موسی پرداخت. هامان نقش شریر نیز را بازی می‌کند؛ چراکه «یک حوزه عملیاتی واحد می‌تواند میان چند شخصیت تقسیم شود» (پراپ، ۱۳۶۸: ۱۶۵). داستان دوم این قصه پنج شخصیت متناسب با خویشکاری‌های شخصیتی پراپ دارد. قهرمان به طور اتفاقی به بخشنده‌ای برمی‌خورد و آزمایشی را با موفقیت می‌گذراند و به دنبال آن، قهرمان یک

ابزار معجزه دریافت می‌کند (F¹) و از آن در مبارزه با شریر و قهرمان دروغین استفاده می‌کند.

توالی خویشکاری (D¹E¹F¹) قصه متناسب با توالی خویشکاری قصه‌های پریان پراپ است. کار و مأموریت دشوار در برخی مواقع منجر به ازدواج (M=W) و در برخی مواقع، منجر به پیروزی بر شریر می‌شود (M=I) که هر دو خویشکاری در این قصه یافت می‌شود. در این بخش، قصه از نظر موضوع و محتوا، از نوع سوم حرکت‌های پراپ، یعنی بسط از دو طریق خویشکاری H-I و M-N (مأموریت و کار دشوار) استفاده شده‌است. در قصه‌های پریان، قصه‌ها با ازدواج به پایان می‌رسد، اما ازدواج در داستان حضرت موسی (ع) در اواسط قصه حادث می‌شود. قصه دو حرکت دارد که هر دو نقطه، پایان نسبتاً مشترکی دارند و متناسب با حرکت پنجم پراپ می‌باشد.

$$\left\{ \begin{array}{l} D-W \\ M-N \\ H-I \end{array} \right.$$

طرح خویشکاری داستان دوم قصه بدین صورت می‌باشد:

$$O B Q D^1 E^1 W a^2 F^{1\downarrow} M N \eta^2 \Lambda \theta^1 H I$$

۴-۱-۵) حرکت سوم قصه

پس از ماجرای پیروزی موسی بر ساحران، گروه‌های بسیاری از بنی اسرائیل به موسی ایمان آوردند. موسی طرفداران بسیاری پیدا کرده بود و از آن پس، بین بنی اسرائیل و فرعونیان همواره درگیری و کشمکش بود. موسی پیروان خود را به صبر و مقاومت دعوت می‌کرد و امدادهای غیبی را به یاد آن‌ها می‌آورد و به آن‌ها مژده می‌داد که به زودی وارث زمین می‌شوند و خداوند دشمنان را نابود و شما را جانشین آن‌ها می‌کند (mot: انگیزش). موسی و پیروانش از ظلم و ستم فرعونیان به ستوه آمده بودند و همچنان در فشار و سختی به سر می‌بردند و خداوند وعده روزهای خوب و خوش را به آن‌ها می‌داد (α: وضعیت آغازین). خداوند به موسی وحی فرمود که «پیروان خود را شبانه از

مصر خارج کن» (۷^۲: دستور دادن). موسی و پیروانش امر پروردگار را انجام دادند و شبانه از مصر خارج شدند (۵^۲: انجام دادن دستور)، در مسیر راه به دریای سرخ رسیدند و از آنجا نتوانستند عبور کنند. سپاه تا دندان مسلح، بی کران و پُر از وسایل و ابزارهای جنگی فرعون به آن‌ها برخورد کردند (۱۱^۲: به کار بردن وسایل جادویی به وسیله شریر). موسی به فرمان خداوند عصای خود را به آب زد که آب شکافته شد و زمین از میان دریا آشکار شد. موسی و بنی اسرائیل از همان راه حرکت کردند و از طرف دیگر، به سلامت خارج شدند (F^۹: عامل معجزه خدمت خود را تقدیم می‌کند). فرعون و سپاهیان فرار کردند و از همان راهی که در میان دریا پیدا شده بود، بنی اسرائیل را تعقیب کردند، اما وقتی که آخرین نفر از لشکریان فرعون وارد راه باز شده در دریا شدند، ناگهان به فرمان خدا، آب‌ها از هر سو به هم پیوستند و همه فرعونیان را به کام مرگ فرو بردند (U: مجازات شریر یا قهرمان دروغین). از آن سوی دریا، بنی اسرائیل همراه موسی به حرکت خود به سوی بیت المقدس ادامه دادند و برای همیشه از دست فرعون و فرعونیان نجات یافتند و فصل جدیدی در زندگی موسی و بنی اسرائیل آغاز شد (RS: نجات قهرمان).

۶۱-۴ ریخت‌شناسی حرکت سوم قصه

حرکت سوم قصه، حرکتی کوتاه است. در داستان‌های قبل، موسی نقش قهرمان و فرعون نقش شریر را داشتند، اما در این داستان، موسی و بنی اسرائیل قهرمان قصه هستند و فرعونیان نقش شریر را دارند. در واقع، شریر و قهرمان نقشی گروهی به خود می‌گیرند. موسی در پیروانش ایجاد انگیزه می‌کند و آن‌ها را به امدادهای غیبی پروردگار که در آینده به آن‌ها می‌رسد، خبر می‌دهد. این وضعیت آغازین، گرچه حرکتی ندارد، اما زمینه حرکت قصه را فراهم می‌سازد و بنا به گفته پراپ، وضعیت آغازین اغلب تصویری از یک خوشبختی و رفاه در آینده را عرضه می‌کند. موسی در امر دعوت فرعونیان به خداپرستی، راه به جایی نمی‌برد، تا جایی که با خویشکاری، دستور و فرمان (۷^۲) از جانب خداوند و به تبع آن، انجام آن دستور (۵^۲) و استفاده از عامل معجزه (F^۹) که باعث هلاک فرعونیان می‌شود، مواجه هستیم. خویشکاری (۱۱^۲) در قصه، همان خویشکاری

(A) است و سرانجام، این حرکت فریبکارانه با مرگ شریب پایان می‌یابد که برابر با خویشکاری مجازات (U) در الگوی پراپ است و با آن همسان‌گردی دارد و این خویشکاری، پایان مصیبت وارده بر موسی و بنی اسرائیل را با خود همراه دارد (K^۴) و بنا به گفته پراپ، قصه می‌تواند با خویشکاری (Rs) به پایان برسد (ر.ک؛ پراپ، ۱۳۶۸: ۱۸۳). نمودار حرکت سوم قصه نیز برابر با حرکت اول ارائه شده از سوی پراپ می‌باشد:

$$\frac{Y(P \sigma)}{A(\eta^2)}$$

طرح خویشکاری داستان سوم قصه بدین صورت است:

$$\gamma^{\delta} \eta^{\epsilon} F^{\delta} Y P s$$

نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین نتایجی که این تحقیق به آن رسیده‌است، عبارتند از:

- در الگوی پراپ، قصه‌ها با ازدواج و سلطنت و یا هر دو پایان می‌یابد، اما داستان حضرت موسی^(ع) ازدواج در اواسط قصه روی می‌دهد و پایان قصه، نجات از دست شریب و به هلاکت رسیدن آن است.

- بیست‌وسه خویشکاری موجود در این قصه، تشابه قابل ملاحظه‌ای از نظر ساختار، میان الگوی پراپ و داستان حضرت موسی^(ع) دارد که خود نشان‌دهنده توانایی الگوی پراپ در تحلیل داستان حضرت موسی^(ع) است.

- بر اساس ساختار قصه‌های پریان، قصه حضرت موسی پیرنگ، طرح و حقیقت‌یابی بی‌نظیری دارد و ساختارهای بنیادین داستان‌پردازی در آن به‌وضوح دیده می‌شود.

- گرچه خویشکاری‌هایی در این قصه نیامده‌است، اما این امر توالی و نظم قصه را بر هم نزده‌است و تا حدود زیادی موافق با ترتیب خویشکاری‌های قصه‌های پریان است.

- داستان حضرت موسی^(ع) حرکت از آرامش (تولد حضرت موسی و بازگشت به آغوش مادر) تا رسیدن به اوج داستان (جنگ با فرعون) و آنگاه به دست آوردن تدریجی آرامش (پیروزی بر فرعونیان) در سه حرکت دیده می‌شود.

- فرعون در عین حال که شخصیت شریر را دارد، اما در بُرهه‌ای از داستان، شخصیت ضد قهرمان را نیز دارد.


- یاری پروردگار رمز موفقیت و پیروزی قهرمان است که ناشی از تأثیرات دین و اعتقادات مذهبی در قصه‌های قرآنی است.

منابع

قرآن کریم.

- احمدی، بابک. (۱۳۸۹). *ساختار و تأویل متن*. چ ۱۲. تهران: مرکز.
- _____ . (۱۳۸۳). *ساختار و هرموتیک*. چ ۳. تهران: گام نو.
- استاجی، ابراهیم. (۱۳۹۲). «تحلیل ریخت‌شناسی داستان سیاوش بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ». *متن‌شناسی ادب فارسی دانشگاه اصفهان*. س ۵. ش ۳. صص ۵۲-۳۷.
- اسکولز، رابرت. (۱۳۹۳). *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*. ترجمه فرزانه طاهری. چ ۳. تهران: آگاه.
- اشرفی، بتول، گیتی تاکی و محمد بهنام‌فر. (۱۳۹۳). «بررسی خویشکاری‌ها و شخصیت‌پردازی در داستان حضرت سلیمان در قرآن کریم بر اساس نظر پراپ». *مجله زبان و ادب فارسی*. س ۶۷. ش ۲۳۰. صص ۴۷-۲۵.
- الیاده، میرجا. (۱۳۶۲). *چشم‌اندازهای اسطوره*. ترجمه جلال ستاری. چ ۱. تهران: توس.
- ایگلتون، تری. (۱۳۸۸). *پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی*. ترجمه عباس مخبر. چ ۵. تهران: مرکز.
- پراپ، ولادیمیر. (۱۳۶۸). *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- _____ . (۱۳۷۱). *ریشه‌های تاریخی قصه‌های پریان*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- حسینی، محمد. (۱۳۹۵). *ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن*. چ ۴. تهران: ققنوس.
- داد، سیما. (۱۳۸۳). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. چ ۲. تهران: مروارید.

- شجاع پوریان، ولی‌الله. (۱۳۹۲). «تأملی در شاخصه‌های قصه در قرآن». *مجله ادب عربی*.
س ۵. ش ۲. صص ۱۱۳-۱۳۳.
- کاظمی، شهاب. (۱۳۷۹). *آفرینش هنری در داستان ابراهیم (ع)*. چ ۱. قم: احسن‌الحديث.
- کوپا، فاطمه. (۱۳۸۹). «تجزیه و تحلیل حکایاتی از کوشش‌نامه بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ». *فصلنامه تخصصی پیک نور*. س ۱. ش ۱. صص ۱۰۳-۱۲۲.
- محمدی‌اشتهاردی، محمد. (۱۳۸۱). *قصه‌های قرآن*. چ ۲. تهران: کتاب یوسف.
- ویلم‌برنتز، یوهانس. (۱۳۶۸). *مقدمات نظریه ادبی*. ترجمه فرزانه سجودی. چ ۱. تهران: آهنگ دیگر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی